

چکیده

اسلام به عنوان کاملترین و جامعترین دین الهی خوشبختی و رستگاری انسانها را در قرآن بیان کرده است و در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی و اخروی سخن رانده است که البته رستگاری از هر دو بعدش هم دنیوی و هم اخروی مدنظر بوده و از آنجا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. هدف در این مقاله بیان عوامل رسیدن به فلاح و رستگاری با محوریت آیه ۷۶ سوره مریم می‌باشد که با توجه به قرآن و سوره مریم این عوامل بیان شدند و با توجه به محوریت آیه ۷۶ سوره مریم این عوامل بررسی شدند. روش در این مقاله کتابخانه‌ای و تدوین آن به روش توصیفی می‌باشد؛ در این مقاله ضمن بیان مفهوم‌شناسی این نتیجه حاصل می‌شود که؛ مفهوم «فلاح» در قرآن و حدیث، ساختار چند قسمتی دارد و به معنای «رهیدن از شرور و رسیدن به خیر پایدار دنیا و آخرت و بقای در آن» است، که لازمه آن ایمان، نماز، عمل صالح و اخلاص، بندگی و تزکیه نفس، خضوع و تقوا، زکات، وفای به عهد، استفاده از «وسیله» برای تقرب به خدا، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و سفارش به آن و توبه است.

کلیدواژه: آیه ۷۶ سوره مریم، رستگاری، فلاح

^۱ دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه امام خمینی (رحمه الله علیه)، شهرستان آشتیان، تماس: ۰۹۹۲۸۲۷۴۲۰۷

رستگاری در دین به معنی نجات انسان از گناه و عواقب گناه است. قرآن کریم با معرفی رستگاران از سعادت‌مندی و رستگاری با مخاطبان خود سخن گفته و با برشمردن عوامل رستگاری همه انسان‌ها را به این راه دعوت کرده است. در قرآن کریم دو واژه «فلاح» و «رستگاری» دلالت بر سعادت‌مندی هستند این در حالی است که واژه «فلاح» به معنای رستگاری در چهل آیه از آیات قرآن مطرح شده است این نوشتار یازده عامل را به استناد به آیات و روایات معرفی می‌کند. هر ایمانی نمی‌تواند مؤمن را بر سفره رستگاری بنشانند؛ بلکه ایمانی این مهم را تحقق می‌بخشد که همراه با عمل به مقتضای ایمان باشد و قرآن نیز هرگاه پای ایمان را وسط می‌کشد، از عملی به مقتضای آن نیز می‌گوید که جمله (وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)، پس از بسیاری از (الَّذِينَ آمَنُوا)، اثبات‌کننده‌ی این ادعا است. مسأله «فلاح» و «رستگاری» پیروان ادیان، تاریخی به قدمت تاریخ ادیان دارد و همواره بخشی از تبادلات فکری و فرهنگی ادیان و بعضاً سبب اختلافات دینی و نزاع‌های مذهبی بوده است. «فلاح» و «رستگاری» مفاهیمی دینی اند، که تقریباً همان بار معنایی واژه «سعادت» را به دوش می‌کشند. اهمیت این موضوعات سبب گردیده در طول تاریخ ادیان، سمت و سوی بحث‌های متکلمان و فیلسوفان عمدتاً در جهت بیان عوامل فلاح و رستگاری که سبب سعادت‌مندی ادیان می‌شود شکل گیرد. آنچه به این مقاله اهمیت و ضرورت می‌بخشد بیان عوامل فلاح و رستگاری با محوریت آیه ۷۶ سوره مریم می‌باشد که این عوامل با توجه به قرآن و سوره مریم بیان شده‌اند و در محوریت این آیه مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ قرآن کریم عواملی چند را به عنوان شاخصه‌ها و نشانه‌های رستگاری در دنیا و آخرت برشمرده که روایات نیز به شرح و بیان آنها پرداخته و از مؤمنان دعوت کرده که با شناخت این عوامل زمینه‌های رستگار شدن بدست خویش را فراهم کنند. هر چند تا کنون تحقیقات و کتب مختلفی بیرامون سعادت و رستگاری به رشته تحریر در آمده و نویسندگان و فقیهان شیعه در آثار خود بدان پرداخته‌اند ولی می‌توان گفت که چون مسئله از امور روشن بوده به صورت گذرا از آن عبور کرده‌اند و فقط در پاره‌ای از موارد به آن اشاره کرده‌اند. از جمله کتاب‌ها و مقالات؛ برازش، علیرضا، تفسیر اهل بیت علیهم السلام (مریم). از جمله مقالات: جعفری، یعقوب، رستگاری در پرتو تهذیب نفس. در این مقاله نخست به معنا و مفهوم رستگاری همچنین به مشتقات و ریشه آن پرداخته شده است لذا ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی رستگاری را بررسی کرده و سپس مشتقات و ریشه آن بر اساس آیات الهی و کلام اهل بیت و کتب گوناگون بیان گردیده است و بعد به عوامل رستگاری پرداخته شده است. در این نوشتار کوشش دارد با روش کتاب‌خانه‌ای و تدوین آن به روش توصیفی عوامل فلاح و رستگاری را با محوریت آیه ۷۶ سوره مریم بیان کند.

واژه فلاح در قرآن وجود ندارد؛ اما مشتقات این کلمه در قرآن به کار رفته است؛ «المفلحون» ۱۲ بار، «المفلحین» ۱ مرتبه و «افلح» ۴ بار در قرآن به تناسب بیان شده است. ابن منظور می‌گوید: الْفَلَحُ وَالْفَلَاحُ: الفوز و النجاة و البقاء فی النعیم و الخیر؛ فلاح، رستگاری و نجات و بقای در نعمت و خیر است. هم‌چنین است «فلاح»: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى؛ رستگار شد آن که پاک شد و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند). و آن در قرآن همه جا از باب افعال به کار رفته و شامل رستگاری دنیا و آخرت است و سبب آن پی‌روی از خواسته‌های عقل و دستورات دین می‌باشد.^۳ راغب می‌گوید: «افلح» از ماده «فلح و فلاح» در اصل به معنای شکافتن و بریدن است. سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوش‌بختی اطلاق شده است.^۴ در حقیقت افراد پیروزمند و رستگار و خوش‌بخت موانع را از سر راه برمی‌دارند و راه خود را به‌سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند. البته فلاح و رستگاری معنای وسیعی دارد که هم پیروزی‌های مادی، و هم معنوی را شامل می‌شود و در مورد مؤمنان هر دو بُعد منظور است. پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند، و این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست. و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک، و در کمال عزت و سربلندی به سر برد. راغب اصفهانی در «مفردات» ضمن تشریح این معنا می‌گوید: فلاح دنیوی در سه چیز خلاصه می‌شود: بقا، غنا و عزت، و فلاح اخروی در چهار چیز: بقای بدون فنا، بی‌نیازی بدون فقر، عزت بدون ذلت، و علم خالی از جهل.^۵ اصطلاح فلاح و رستگاری در قرآن کریم در مورد مؤمنان، پرهیزکاران، مجاهدان و... به کار رفته است و خبر از رستگاری و سعادت ابدی آنها می‌دهد؛ مانند این آیات: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛^۶ همانا مؤمنان رستگار شدند). (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى؛^۷ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد). (إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛^۸ سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند). (لَكِنَّ الرَّسُولَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛^۹ ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند و همه نیکی‌ها برای آنها است و آنها همان رستگارانند). فلاح (رستگاری) از ماده «فلح و فلاح» در اصل به معنای شکافتن و بریدن است و به هر نوع پیروزی و رسیدن به

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۴۷

^۲ سوره اعلی، آیه ۱۴

^۳ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۰۱

^۴ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، داودی، صفوان عدنان، ص ۶۴۴

^۵ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۴

^۶ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، داودی، صفوان عدنان، ص ۶۴۴

^۷ سوره مؤمنون، آیه ۱

^۸ سوره اعلی، آیه ۱۴

^۹ سوره نور، آیه ۵۱

^{۱۰} سوره توبه، آیه ۸۸

مقصد و خوشبختی اطلاق شده است. در حقیقت افراد پیروز و رستگار و خوشبخت، موانع را از سر راه خود برمی دارند و راه را برای رسیدن به مقاصد هموار می سازند و پیش می روند. فلاح و رستگاری به معنی وسیع آن هم پیروزی های مادی را شامل می شود و هم معنوی را. پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی نیاز زندگی کند که این امور جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار در میان نعمت های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر برد. واژه فلاح به معنای رستگاری به کار می رود: رستن از گرفتاریها و رنجها و موانع و رسیدن به هدف و مطلوب انسان در راه رسیدن به مقصد و هدف خود، پیوسته با موانع و گرفتاریها و دشمنانی درگیر است ولی با تلاش و جهاد می تواند این گرفتاریها را بر طرف سازد و موانع را از سر راه برداشته به هدف و مطلوب خویش نایل شود که در این صورت می گویند: رستگار شد، یعنی رست و رها شد یا راحت شد و بر دشمن چیره گردید. در چنین مواردی از واژه فلاح استفاده می شود.^۱

عوامل رسیدن به فلاح

سوره مریم نوزدهمین سوره و از سوره های مکی قرآن است که در جزء شانزدهم قرآن جای دارد. این سوره به دلیل نقل داستان حضرت مریم (س) به نام «مریم» نام گذاری شده است. پیام اصلی این سوره بشارت و انداز است که در قالب داستان هایی از پیامبران از جمله داستان حضرت زکریا (ع)، یحیی (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع) و عیسی (ع) بیان شده است. بررسی مسائل مربوط به قیامت و چگونگی رستخیز، نفی فرزند از خداوند و بیان مسئله شفاعت و رستگاری از موضوعات محوری این سوره است. سوره مریم دارای دو ویژگی است: نخست اینکه به هنگام بیان داستان پیامبران بزرگ و داستان مریم از واژه «أذْکُرُ» به معنای فرمان به یادآوری و یادکرد استفاده کرده است و دوم اینکه واژه «رحمان» از صفات خداوند ۱۶ بار در این سوره به کار رفته تا به گفته برخی رحمت و مهر گسترده خداوند را نسبت به همه پدیده ها و موجودات به ویژه پیامبران و مؤمنان نشان دهد. از عوامل رستگاری که در سوره مریم و قرآن به آن اشاره شده است: ایمان، نماز، عمل صالح و اخلاص، تزکیه نفس، تقوا، زکات، جهاد، وفای به عهد، استفاده از «وسیله» برای تقرب به خدا، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و سفارش به آن، توبه می باشد که در این نوشتار این عوامل با محوریت آیه ۷۶ سوره نگاشته می شود. در این آیه فلاح و رستگاری در معنایی متفاوت یعنی الباقیات الصّالحات... به کار رفته است؛ فلاح در این آیه به معنای اینکه اعمال صالح نزد خداوند محفوظ می ماند و «والباقیات الصّالحات خیر عند ربّک» و کار نیک، رمز خوش عاقبتی است. «الباقیات الصّالحات... خیر مردّاً» می باشد. بنابراین باید با توجه به این معنا عوامل فلاح را شرح دهیم؛ اما عواملی که انسان را به رستگاری می رساند و سعادت مند ابدی می کند عبارتند از:

^۱ <https://hawzah.net>

۱ - ایمان

(وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا)^۱ و زیاد می فرماید خداوند کسانی را که در طلب هدایت هستند هدایت آنها و اعمال باقیه صالحه بهتر است نزد پروردگار از حیث ثواب و بهتر است بازگشت آنها. و يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا اهتداء قبول هدایت است، یعنی کسانی که ایمان آورند و بدین حقه اسلامی هدایت شدند و پذیرفتند خداوند متعال هدایت آنها را زیاد میفرماید نظر باین که مراتب ایمان بسیار است که یک جا تعبیر می کند. بمستقر و مستودع، یک جا بعلم الیقین عین الیقین حق الیقین، یک جا بقشر - القشر و لب و لب اللب یک جاده درجه برای ایمان گفتند بلکه اگر مقایسه کنی ایمان اضعف مؤمنین را با ایمان امیر المؤمنین علیه السلام اگر هزار درجه گفתי کوتاهی کرده ای و درجات ایمان بمعرفت بادلۀ عقلیه و نظر و تدبر در آیات شریفه قرآنیۀ و مراجعه باخبار و بیانات ائمه اطهار علیهم السلام و تکمیل اخلاق حسنه و عبادات مقبوله و توجه بذات اقدس ربوبی نورانیت قلب زیاد می شود که فرمودند: (العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء: توفیق شامل حال او می شود استحکام دین پیدا می کند مشمول عنایات حق می شود. و الباقیات الصالحات گفتند عمل از انسان جدا نمی شود، یعنی آثار آن که دارد در وقت نزع روح. از مال طلب اعانت می کند می گویند: ما بوارث منتقل شدیم، از اهل طلب می کند می گویند: ما تا دفن کمک می کنیم، از عمل طلب می کند می گوید من با شما هستم تا داخل بهشت یا جهنم شوی در اینکه صورت اگر اینکه اعمال باقیات صالحات باشند. خیرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا هر چه بیشتر صالح باشد بیشتر مثبت دارد. و خیرٌ مَرَدًّا بهتر بازگشت می شود که نامه عملش بدست راستش می آید که می فرماید: (فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ أَكُتَابِهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ كُلُّوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ الْحَاقَّةُ).^۲

در جای دیگر ایمان از این آیه انگونه تفسیر می شود: چون بیان فرمود که مهلت کافران و تنعم آنان به مال و منال دنیا نه به جهت فضل الهی است بلکه استدراج باشد، بعد از آن بیان می فرماید که قصور حظوظ مؤمنین از دنیا نه بواسطه نقص آنان است بلکه اراده فرموده که به عوض آن بهتر و خوبتر به ایشان رساند که آن مزیت اهتدا است که مثمر سعادت ابدیه می باشد: (وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى: و می افزاید خدای تعالی در دنیا آنان را که هدایت شده اند به کتاب او هدایت ایشان را به تصدیق هر چیز دیگر که نازل می شود زیاد می فرماید). و حق تعالی به وسیله تدبر و تفکر آنان در آیات بینات، عطا می فرماید به ایشان الطافی که نزدیک گرداند ایشان را به طاعات و حسنات. نزد بعضی مقابله باشد، یعنی چنانچه کافران به سوء اختیار بر کفر و گمراهی مصرّ شدند، خداوند آنها را در گمراهی و خذلان واگذارد؛ در مقابل چون مؤمنین به حسن اختیار مهتدی شدند، حق تعالی هدایت ایشان را می افزاید به ثبات در ایمان و توفیق در طاعت. حضرت صادق علیه السلام به روایت کافی فرماید: مراد زیادتی هدایت مؤمنان، متابعت ایشان است حضرت قائم عجل الله فرجه را وقت خروج آن حضرت

^۱ سوره مریم، آیه ۷۶

^۲ طبیب، سید عبدالحسین، طبیب البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۴۱

وجهه مسکنت و فقر به خود گیرد. و همچنین گفته‌اند وسیله به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است. و برخی گفته‌اند مقصود توسل به ائمه (ع) که در نزد خدا صاحب آبرویند و دست به دامن شدن ائمه (ع) برای تقرب به خداوند باری تعالی می‌باشد.^۱

۹ - امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به اینکه محوریت آیه ۷۶ مریم برفلاح و رستگاری انجام اعمال صالح است بنابراین امر به معروف و نهی از منکر و حفظ آبروی مومن از جمله اعمال صالح در قرآن معرفی شده اند طبق تفسیر آیات ۲۳-۲۵ سوره مریم، حفظ آبرو بسیار مهم است. هیچ‌کس حق ندارد با آبروی خود بازی کند و بی‌جهت آن را در معرض تهدید قرار دهد. حضرت مریم سال‌ها در عبادتگاه خود در مسجد مشغول عبادت بود. موقع زایمان به دستور خدای تعالی از آنجا بیرون آمد و به صحرا رفت. وقتی کسی که عمری با عفت و آبروداری میان مردم زندگی کرده و شهره خوبی و پاکی است، اگر اتفاق ناگواری برایش پیش آید که آبرو و عفتش در معرض خطر قرار گیرد، معلوم است که بسیار ناراحت می‌شود و حتی آرزوی مرگ می‌کند؛ هرچند بداند این از جانب خدای تعالی است و او چنین اراده کرده. آری؛ گاهی اوقات تکالیف الهی ایجاب می‌کند انسان به‌خاطر دین خدا قید آبروی خود را بزند؛ مثلاً شرایطی پیش می‌آید که باید امر به معروف و نهی از منکر کند و این کار به مذاق بعضی خوش نمی‌آید و آنها شروع به تهمت زدن و بی‌آبرو کردن وی می‌کنند. اینجا باید خود را به خدا سپرد و به وظیفه شرعی خود عمل کرد. قهراً حضرت مریم هم نمی‌خواست آبرویش در خطر قرار گیرد؛ لذا با آنکه می‌دانست این اتفاقات همه تحت اراده و نظر مستقیم خدای تعالی است، باز برایش سنگین بود و احساس ناراحتی و اندوه شدید می‌کرد. چه‌بسا یک جهت ناراحتی ایشان این بود که با این وضع مردم به هرکس در عبادتگاه باشد، سوءظن می‌برند و تهمت می‌زنند. اما همان خدایی که این اتفاقات را رقم زد، راه برون رفت از آنها را هم گشود و نگرانی‌های مریم را یکی‌یکی برطرف ساخت و آرامش کرد؛ لذا ابتدا چشمه آبی برایش جاری ساخت، سپس نخل خشکیده بارور شد و یکباره میوه رسیده و تازه داد و در آخر نیز نوزادش با او سخن گفت. وقتی کسی به تکلیف الهی خویش عمل می‌کند و برای خدا از آبروی خود می‌گذرد؛ مثل وقتی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و هزینه آن را به جان می‌خرد، خدای تعالی برایش جبران می‌کند؛ از جمله استراحت و آرامش قلبی به او عطا می‌کند که مطمئن می‌شود کارش مورد تأیید خدای تعالی است و این زندگی را برای او بهتر و زیباتر می‌کند. خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: (وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^۲ یعنی باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. از این آیه مستفاد می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر به طور مستقل به سعادت انسان منتهی می‌شود. البته این کار شرایطی دارد که با وجود آن شرایط بر فرد واجب می‌شود که امر به معروف کند و نهی از منکر نماید.^۳ امت در اصل از ماده «آم» به معنی

^۱ طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۳۲

^۲ سوره آل عمران، آیه ۱۰۴

^۳ عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ج ۲، ص ۱۵۴

هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد و به همین جهت «امت» به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آن‌ها باشد گفته می‌شود خواه وحدت از نظر زمان باشد یا مکان و یا هدف و مرام؛ چون به دنبال آیات پیش که به اخوت و اتحاد توجه دارد به مسأله امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده این در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت از جمعیت است؛ زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موربانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را از هم متلاشی می‌سازند. بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.^۱ احادیث معتبر زیادی بر اهمیت این امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دلالت دارد از جمله روایتی از امام باقر(ع) که فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریق صلحاء است. فریضه بزرگی است که به آن است قیام تمام فرائض، راهها به آن ایمن می‌شود و کسب‌ها به آن حلال می‌گردد و مظالم به سبب آن رد می‌شود و زمین به آن آباد می‌گردد و به آن انصاف از دشمنان ظهور می‌یابد و استقامت امور به آن حاصل آید.»^۲ همچنین علی(ع) می‌فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. این دو وظیفه بزرگ در حقیقت ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آن‌ها می‌باشد و با تعطیل آن‌ها تمام احکام و اصول اخلاقی، ارزش خود را از دست خواهد داد.^۳

۱۰ - صبر و سفارش به آن

عام‌ترین و مهم‌ترین صفت انسانی بازدارنده صبر است. صبر در لغت عرب به معنای خویشتن‌داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است. و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند.^۴ در باب ارزش والای صبر همین بس که قرآن در آیات متعددی با عبارت «اللّه مع الصابرين»، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصّابِرِينَ» و عبارات دیگر به آنان مژده می‌دهد که خداوند با صابران همراه است و آنان را بسیار دوست دارد.^۵ با توجه به آیه ۷۶ سوره مریم صبر هم در قرآن یکی از عوامل فلاح و رستگاری معرفی شده است و جز اعمال صالح به شمار می‌رود در آیات قبل در این سوره به واژه صبر پرداخته شده است. مانند: (رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا: همان خدایی که آفریننده آسمانها و زمین است و هر چه بین آنهاست، پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن (که اگر او را به خدایی نپرستی) آیا دیگری را مانند او به نام خدا (بی لایق پرستش) خواهی یافت؟ چنانچه در این آیه مشاهده می‌شود اهل ایمان و هر آنچه میان آسمانها و زمین قرار دارد؛ تنها باید خدا را ستایش کنند و برای عبادتش شکیبا باشند تا به فلاح و رستگاری دست یابند همچنین خداوند به صبر در آیات دیگر هم

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۲

^۲ همان

^۳ همان

^۴ زبیدی، مرتضی، تاج العروس، ج ۷، ص ۷۱

^۵ سوره آل عمران، آیه ۱۴۶

^۶ سوره مریم، آیه ۶۵

سفارش نموده اند. مانند: در سوره آل عمران می‌خوانیم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. چنانچه مشاهده می‌شود در این آیه فرموده که ای اهل ایمان در کار دین صبر کنید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید شاید که رستگار شوید. همه دستورات در آیه مذکور به طور مطلق آمده و معنای عام را در بر دارد.^۲

۱۱ - توبه

از آنجا که برنامه قرآن در همه جا این است که راه بازگشت به سوی ایمان و حق را باز بگذارد در اینجا نیز بعد از ذکر سرنوشت نسلهای ناخلف راه توبه را نشان می‌دهد. بنابر این چنان نیست که اگر کسی یک روز در شهوات غوطه‌ور شود برای همیشه مهر یاس و نومیدی از رحمت خدا بر پیشانی او کوفته شود، بلکه تا نفسی باقی است و انسان در قید حیات دنیا است، راه بازگشت و توبه باز است. معمولاً قرآن کریم بدنبال آیات عذاب، جمله‌ی «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا» یا جمله‌ی «إِلَّا مَنْ تَابَ» را آورده تا بگوید: راه اصلاح، هرگز بر کسی بسته نیست. (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا)^۳ آنگاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید. إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا^۴ مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس آنها داخل بهشت می‌شوند و به هیچ وجه مورد ستم قرار نمی‌گیرند (و از پاداششان کاسته نمی‌شود).^۵ خداوند در سوره نور می‌فرماید: (...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۶ یعنی دستور به توبه و بازگشت به سوی خداوند داده و می‌فرماید به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان باشد که سعادت‌مند شوید). خداوند در این آیه بعد از تذکرات و دستوراتی که در مورد حفظ عفت و آبرو به مردان و زنان مؤمن می‌دهد می‌فرماید در هر جایی که مخالفت این احکام را نمودید توبه کنید و از مخالفت اوامر الهی به موافقت باز آیید که امید رستگاری برای شما هست. و نیز در سوره قصص می‌فرماید: (فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَغَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ)^۷ یعنی اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد امید است از رستگاران باشد). پس توبه و انابه از گناهان گذشته و قرار گرفتن در زیر چتر حمایت الهی و اطاعت از اوامر خداوند متعال گام مهمی در رسیدن به هدف متعالی انسانی یعنی سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد؛ زیرا در آیات مختلفی از تَوَّاب بودن و توبه‌پذیر بودن خداوند سخن به میان آمده است.

^۱ سوره آل عمران، آیه ۲۰۰

^۲ قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحديث، ج ۲، ص ۱۸۵

^۳ سوره مریم، آیه ۵۹

^۴ قرآنتی، محسن، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۸

^۵ سوره نور، آیه ۳۱

^۶ سوره قصص، آیه ۶۷

نتیجه

بنابراین از نظر قرآن و سوره مریم عواملی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت پله‌های اصلی ارتقاء به جایگاه ظفرمندی و سعادت و قرار گرفتن در جوار رحمت الهی با محوریت آیه ۷۶ که کمال پیروزی و رستگاری است می‌باشد. به عبارت دیگر عوامل سعادت با تأمل و تدبیر در آیات مطرح شد که با اعتقاد قلبی به اصول دین و التزام عملی به فروع دین در نهایت، ختم به رستگاری و فلاح انسان می‌گردد. نتایج حاصل از این نوشتار بعرید از بیان مفهوم شناسی که منظور از فلاح همان رستگاری می‌باشد و واژه «فلاح» به معنای رستگاری در چهل آیه از آیات قرآن مطرح شده است و در این جا طبق آیه ۷۶ سوره مریم مفهوم فلاح را با معنایی متفاوت یعنی الباقیات الصّالحات... به کار رفته است؛ فلاح در این آیه به معنای اینکه اعمال صالح نزد خداوند محفوظ می‌ماند و «والباقیات الصّالحات خیر عند ربّک» و کار نیک، رمز خوش عاقبتی است. «الباقیات الصّالحات... خیر مردّاً» می‌باشد. بنابراین باید با توجه به این معنا عوامل فلاح را شرح دادیم: اما عواملی که انسان را به رستگاری می‌رساند و سعادت‌مند ابدی می‌کند عبارتند از: ایمان، نماز، عمل صالح و اخلاص، بندگی و تزکیه نفس، خضوع و تقوا، زکات، وفای به عهد، استفاده از «وسیله» برای تقرب به خدا، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و سفارش به آن و توبه است.

فهرست مطالب

الف) کتاب ها

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ناشر: بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق
۳. امین، نصرت، مخزن العرفان، ناشر: تهران، نهضت زنان مسلمان، سال ۱۳۶۱ش
۴. برازش، علیرضا، تفسیر اهل بیت علیهم السلام (مریم)، مترجم: سیدرسول بهشتی نژاد، مشخصات نشر: امیرکبیر، سال ۱۴۰۰
۵. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، ناشر: تهران، چاپ الاسلامیه، سال ۱۳۹۰ - ۱۳۹۷ ق
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ناشر: انتشارات تهران، سال ۱۳۸۵
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، داودی، صفوان عدنان، ناشر: دمشق، بیروت، دارالقلم، الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق
۸. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، ناشر: دار الفکر، سال ۱۳۸۵
۹. صدوق، محمد، معانی الأخبار
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر: قم، دفتر انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۳ ش
۱۱. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: مؤسسه سبطین، سال ۱۳۸۶ش
۱۲. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ناشر: صدوق، سال ۱۳۶۰
۱۳. عبدالعظیمی، حسین بن احمد حسینی، تفسیر اثنی عشری، ناشر: میقات، سال ۱۳۶۳ش
۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نمونه، ناشر: مؤسسه در راه حق وزارت فرهنگ و ارشاد، سال ۱۳۷۴
۱۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ناشر: تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، سال ۱۳۷۱ش
۱۶. قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، ناشر: تهران، واحد تحقیقات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ناشر: ناشر: زرین، سال ۱۳۸۶
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر: تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، سال ۱۳۵۳
۲۰. نجفی، محمد جواد، تفسیر آسان، ناشر: تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۶۲ - ۱۳۶۴
۲۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ناشر: آل البيت، سال ۱۳۲۰ق

ب) سایت ها

1. <https://hawzah.net>